



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

لیست کامل اعضای خانواده به انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی ۹۲ بازدید

اعضای خانواده به انگلیسی

Family Members in English

مثال و ترجمه +



zabanmaster.com



یادگیری اسم اعضای خانواده به انگلیسی یکی از اولین قدم‌های ضروری در مکالمه است؛ چون در معرفی خود، صحبت درباره روابط خانوادگی و نوشتن متن‌های ساده همیشه به این واژه‌ها نیاز داریم. در این مقاله، لیست کامل و دسته‌بندی‌شده‌ی تمام اعضای خانواده در انگلیسی را همراه با معنی و مثال‌های کاربردی و تلفظ صوتی یاد می‌گیرید تا بتوانید در هر سطحی – از مبتدی تا پیشرفته – به درستی درباره خانواده صحبت کنید.

موضوعات این مقاله

- ۱ اعضای خانواده نزدیک (Immediate / Nuclear Family)
- ۲ اعضای خانواده به انگلیسی – خانواده گسترده (Extended Family)
- ۳ خویشاوندان از طریق ازدواج (In-Laws)
- ۴ اعضای خانواده ناتنی و نیمه‌ناتنی (Step & Half Relatives)
- ۵ نسبت‌ها و مفاهیم دیگر خانوادگی (Other Relatives & Terms)
- ۶ ساختار خانواده و واژگان کاربردی (Family Structure & Vocabulary)
- ۷ جملات و مکالمه‌های کاربردی (Sample Sentences & Example Conversations)
- ۸ جمع بندی
- ۹ سوالات متداول اعضای خانواده به انگلیسی

اعضای خانواده نزدیک (Immediate / Nuclear Family)

father

پدر

My **father** works in a hospital.

پدرم در یک بیمارستان کار می‌کند.

mother

مادر

My **mother** cooks the best food I've ever tasted.

مادرم بهترین غذایی را که تا به حال خورده‌ام (مزه کرده‌ام) درست می‌کند.

parents

والدین / پدر و مادر

My **parents** always support my decisions.

والدینم همیشه از تصمیماتم حمایت می‌کنند.

brother

برادر

My **brother** plays football every weekend.

برادرم هر آخر هفته فوتبال بازی می کند.

sister

خواهر

My **sister** is very good at drawing.

خواهرم در نقاشی کشیدن خیلی خوب است.

siblings

خواهرها و برادرها (جمع)

I have two **siblings**, one brother and one sister.

من دو خواهربرادر دارم: یک برادر و یک خواهر.

son

(فرزند) پسر

Their **son** just started school this year.

پسرشان امسال مدرسه را شروع کرده است.

daughter

(فرزند) دختر

His **daughter** loves reading stories.

دخترش عاشق خواندن داستان است.

children

فرزندان – جمع child

Her **children** are very polite and friendly.

فرزندانش بسیار مودب و دوست داشتنی هستند.

husband

شوهر

Her **husband** travels a lot for work.

شوهرش برای کار زیاد سفر می کند.

wife

زن / همسر

His **wife** is a teacher at a primary school.

همسرش در یک مدرسه ابتدایی معلم است.

spouse

همسر (رسمی، خنثی از نظر جنسیت - هم به زن اطلاق می شود و هم به مرد)

Please write the name of your **spouse** on the form.

لطفاً نام همسرتان را در فرم بنویسید.

اعضای خانواده به انگلیسی - خانواده گسترده (Extended Family)

در این بخش به اعضای خانواده که لزوماً جزو خانواده درجه یک نیستند و در واقع جزو فامیل به شمار می روند خواهیم پرداخت:

grandfather

پدربزرگ / بابابزرگ

My **grandfather** tells amazing stories from his childhood.

پدربزرگم داستان‌های فوق‌العاده‌ای از دوران کودکی‌اش تعریف می‌کند.

grandmother

مادربزرگ / مامان‌بزرگ

My **grandmother** makes delicious homemade bread.

مادربزرگم نان خانگی خوشمزه درست می‌کند.

grandparents

پدربزرگ مادربزرگ

We visit our **grandparents** every summer.

ما هر تابستان به دیدن پدربزرگ و مادربزرگمان می‌رویم.

grandson

نوه پسر

Their **grandson** is learning how to ride a bike.

نوه پسرشان در حال یاد گرفتن دوچرخه سواری است.

granddaughter

نوه دختر

She takes her **granddaughter** to the park.

او نوه دخترش را به پارک می برد.

grandchild

نوه (به جنسیت خاصی اشاره ندارد و هم دختر و هم پسر را شامل می شود)

They love spending time with their only **grandchild**.

آن ها عاشق وقت گذراندن با تنها نوه شان هستند.

aunt

عمه / خاله

My **aunt** lives in Canada and sends us gifts every year.

عمه / خاله من در کانادا زندگی می کند و هر سال برایمان هدیه می فرستد.

uncle

عمو / دایی

My **uncle** owns a small bookstore in the city.

عمویم / داییم یک کتاب فروشی کوچک در شهر دارد.

cousin

پسر خاله، دختر خاله، پسر دایی، دختر دایی، پسر عمه، دختر عمه، پسر عمو، دختر عمو

My **cousin** and I grew up together.

من و پسر خاله ام با هم بزرگ شدیم.

niece

خواهرزاده یا برادرزاده دختر

His **niece** loves drawing animals.

برادرزاده / خواهرزاده اش (که دختر است) عاشق کشیدن تصویر حیوانات است.

nephew

خواهرزاده یا برادرزاده پسر

I bought a birthday gift for my **nephew**.

برای برادرزاده / خواهرزاده ام (که پسر است) هدیه تولد خریدم.

relatives

بستگان / اقوام

We invited all our **relatives** to the wedding.

ما همه بستگانمان را به عروسی دعوت کردیم.

خویشاوندان از طریق ازدواج (In-Laws)

father-in-law

پدر همسر

My **father-in-law** is a very kind and patient man.

پدرِ همسرم (پدرزنم / پدرشوهرم) مردی بسیار مهربان و صبور است.

mother-in-law

مادر همسر (مادرزن / مادرشوهر)

Her **mother-in-law** helps her with the kids on weekends.

مادرشوهرش آخر هفته‌ها به او در نگهداری بچه‌ها کمک می‌کند.

brother-in-law

برادرزن / برادرشوهر / شوهرخواهر

My **brother-in-law** works as an engineer in Berlin.

برادرزنم در برلین مهندس است (به عنوان مهندس کار می‌کند).

sister-in-law

خواهرزن / خواهرشوهر / زن داداش

I get along really well with my **sister-in-law**.

با خواهرشوهرم خیلی خوب کنار می‌آیم (ارتباطمان خوب است).

son-in-law

داماد

Their **son-in-law** is studying medicine.

دامادشان در رشته پزشکی تحصیل می‌کند.

daughter-in-law

عروس

They treat their **daughter-in-law** like their own child.

آنها با عروسشان مثل فرزند خودشان رفتار می‌کنند.

in-laws

خانواده همسر

I spent the holidays with my **in-laws** this year.

امسال تعطیلات را با خانواده همسرم گذراندم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل مشاغل در انگلیسی

اعضای خانواده ناتنی و نیمه ناتنی (Step & Half Relatives)

بعضا اعضای خانواده یا با شما همخون نیستند یا فقط بخشی از ارتباطتان خونیست که در ادامه به این اعضای خانواده در انگلیسی می پردازیم:

stepfather

ناپدری

My **stepfather** teaches me how to fix things around the house.

ناپدری ام به من یاد می دهد چطور وسایل خانه را تعمیر کنم.

stepmother

نامادری

Her **stepmother** is always very supportive.

نامادری اش همیشه خیلی حمایتگر و مهربان است.

stepbrother

برادر ناتنی

I live with my **stepbrother**, and we get along well.

با برادر ناتنی ام زندگی می کنم و خوب با هم کنار می آییم.

stepsister

خواهر ناتنی

She shares a room with her **stepsister**.

او اتاقش را با خواهر ناتنی اش شریک است.

stepson

پسر خوانده

He takes his **stepson** to football practice every week.

او پسرخوانده‌اش را هر هفته به تمرین فوتبال می‌برد.

stepdaughter

دخترخوانده

Her **stepdaughter** loves listening to music.

دخترخوانده‌اش عاشق گوش دادن به موسیقی است.

half-brother

برادر نیمه‌ناتنی (نیمه‌بیولوژیکی) (پدر یا مادر مشترک دارند ولی هردو نه)

I have a **half-brother** who lives in another city.

یک برادر نیمه‌ناتنی دارم که در شهر دیگری زندگی می‌کند.

half-sister

خواهر نیمه‌ناتنی (نیمه‌بیولوژیکی) (پدر یا مادر مشترک دارند ولی هردو نه)

My **half-sister** visits us every month.

خواهر نیمه ناتنی ام هر ماه به دیدن ما می آید.

foster child

فرزند تحت سرپرستی

They are taking care of a **foster child** this year.

آن ها امسال از یک کودک تحت سرپرستی مراقبت می کنند.

نسبت ها و مفاهیم دیگر خانوادگی (Other Relatives & Terms)

ancestors

نیاکان / اجداد

Our **ancestors** lived in this region hundreds of years ago.

نیاکان ما صدها سال پیش در این منطقه زندگی می کردند.

descendant

جزو نسل / نواده

He is a **descendant** of a famous poet.

او از نسل یک شاعر مشهور است.

relatives

بستگان / فامیل

Do you have any **relatives** living abroad?

آیا بستگانی داری که خارج از کشور زندگی کنند؟

kin

خویشاوند / قوم و خویش (رسمی تر)

They are looking for his next of kin to contact.

آنها به دنبال نزدیک ترین خویشاوند او هستند تا با او تماس بگیرند.

family member

عضو خانواده

Every **family member** helped prepare the holiday dinner.

تمام اعضای خانواده در آماده سازی شام تعطیلات کمک کردند.

godfather

پدرخوانده معنوی

His **godfather** gives him advice whenever he needs it.

پدرخوانده معنوی اش هر وقت به کمک نیاز داشته باشد به او مشاوره می دهد.

godmother

مادرخوانده معنوی

Her **godmother** lives in another country.

مادرخوانده معنوی اش در کشور دیگری زندگی می کند.

godchild

فرزندخوانده معنوی

She bought a gift for her **godchild's** birthday.

برای تولد فرزند خوانده معنوی اش هدیه خرید.

adoptive parents

والدین فرزند پذیر (که او را به سرپرستی گرفته اند)

Her **adoptive parents** raised her with so much love.

والدین فرزند پذیرش (که او را به سرپرستی گرفته بودند) او را با عشق بزرگ کردند.

adopt

به سرپرستی گرفتن

They **adopted** a child last year.

آنها پارسال یک فرزند به سرپرستی گرفتند.

foster parents

والدین سرپرست

The **foster parents** take great care of the children.

والدین سرپرست به خوبی از بچه ها مراقبت می کنند.

family tree

شجره نامه

I made a **family tree** for my school project.

برای پروژه مدرسه ام یک شجره نامه تهیه کردم.

generation

نسل

Three **generations** live in this house.

سه نسل در این خانه زندگی می کنند.

ساختار خانواده و واژگان کاربردی (Family Structure & Vocabulary)

nuclear family

خانواده هسته ای (زن و شوهر و فرزندان شان)

A **nuclear family** usually lives together in one household.

یک خانواده هسته‌ای معمولاً در یک خانه با هم زندگی می‌کنند.

extended family

خانواده گسترده (اعضای بیشتری مثل عمه، دایی، پدر بزرگ...)

Many cultures value the support of the **extended family**.

در بسیاری از فرهنگ‌ها، حمایت خانواده گسترده اهمیت زیادی دارد.

immediate family

خانواده درجه یک (پدر، مادر، خواهر، برادر)

Your **immediate family members** must sign the form.

اعضای خانواده نزدیکتان باید فرم را امضا کنند.

household

خانوار / جمع اعضای که با هم زندگی می‌کنند

There are five people in our **household**.

پنج نفر در خانوار ما زندگی می کنند.

single-parent family

خانواده تک‌والدی

A **single-parent family** often faces more responsibilities.

یک خانواده تک‌والدی معمولاً با مسئولیت‌های بیشتری روبه‌رو می‌شود.

blended family

خانواده ترکیبی (ناتنی + خونی)

Blended families may need time to adjust to new relationships.

خانواده‌های ترکیبی ممکن است برای سازگار شدن با روابط جدید به زمان نیاز داشته باشند.

family background

پیشینه خانوادگی

She talked about her **family background** during the interview.

او در مصاحبه درباره پیشینه خانوادگی اش صحبت کرد.

family members

اعضای خانواده

All **family members** joined the celebration.

همه اعضای خانواده در جشن شرکت کردند.

family relationship

نسبت خانوادگی / رابطه فامیلی

The chart shows different **family relationships**.

این نمودار روابط خانوادگی مختلف را نشان می دهد.

single

مجرد

He is **single** and lives alone.

او مجرد است و تنها زندگی می کند.

married

متأهل

They have been **married** for ten years.

آنها ده سال است که ازدواج کرده اند (متأهل هستند).

engaged

نامزد کرده

She **got engaged** last month.

او ماه گذشته نامزد کرد.

divorced

طلاق گرفته / مطلقه

He is **divorced** but has a good relationship with his children.

او طلاق گرفته است اما با فرزندانش رابطه خوبی دارد.

widowed

بیوه (کسی که همسرش را از دست داده)

She was **widowed** at a young age.

او در سن کمی بیوه شد.

partner

شریک (زندگی)

She lives with her **partner** in London.

او با پارتنرش در لندن زندگی می کند.

جملات و مکالمه های کاربردی (Sample Sentences & Example) (Conversations)

جملات کاربردی

I have a small family with one brother and one sister.

من یک خانواده کوچک دارم با یک برادر و یک خواهر.

My parents live in a different city.

والدینم در شهر دیگری زندگی می‌کنند.

I'm very close to my cousins.

به cousinهایم خیلی نزدیک هستم.

My sister and I get along really well.

من و خواهرم خیلی خوب با هم کنار می‌آییم.

I don't see my grandparents very often.

من زیاد پدر بزرگ و مادر بزرگم را نمی‌بینم.

We have a big extended family with many relatives.

ما یک خانواده گسترده بزرگ داریم با فامیل‌های زیاد.

I met my in-laws for the first time last week.

هفته گذشته برای اولین بار خانواده همسرم را ملاقات کردم.

My brother-in-law is the funniest person I know.

برادرزنم بامزه‌ترین کسی است که می‌شناسم.

I have a half-sister who lives abroad.

یک خواهر نیمه‌ناتنی دارم که خارج از کشور زندگی می‌کند.

مکالمات کاربردی راجع به اعضای خانواده به انگلیسی

معرفی خانواده (Introducing Your Family)

A: Can you tell me a little about your family?

می‌تونی کمی درباره خانواده‌ات بهم بگی؟

B: Sure. I live with my parents and my younger sister.

حتماً. من با والدینم و خواهر کوچکترم زندگی می‌کنم.

A: Do you have any siblings besides her?

غیر از او خواهر یا برادری داری؟

B: No, she's my only sibling.

نه، او تنها خواهر من است.

صحبت درباره اقوام (Talking about Relatives)

A: Are you close to your relatives?

با اقوامت (فامیل‌ها) صمیمی هستی؟

B: Yes, especially with my cousins. We meet almost every weekend.

بله، مخصوصاً با پسرعمو / دخترعمو / پسرخاله / دخترخاله‌هایم. تقریباً هر آخر هفته همدیگر را می‌بینیم.

مکالمه درباره خانواده همسر (Talking about In-laws)

A: How do you get along with your in-laws?

با خانواده همسرت چطور کنار می‌آیی (ارتباطتان چطور است)؟

B: They're really kind. I enjoy spending time with them.

آنها واقعاً مهربان‌اند. از وقت گذراندن با آنها لذت می‌برم.

صحبت درباره ساختار خانواده (Discussing Family Structure)

A: Do you have a big family?

خانواده‌ات بزرگ است؟

B: Yes, we have a large extended family with many aunts and uncles.

بله، ما یک خانواده گسترده بزرگ داریم با عمه‌ها و عموهای زیاد.

جمع‌بندی

یادگیری واژگان مربوط به اعضای خانواده از ضروری‌ترین بخش‌های زبان انگلیسی است، چون در مکالمه، معرفی خود، نوشتن متن‌ها و صحبت درباره روابط انسانی دائماً به آن‌ها نیاز داریم. در این مقاله تمام اعضای خانواده به صورت کامل، دسته‌بندی شده و همراه با مثال‌های کاربردی معرفی شد تا بتوانید این واژه‌ها را سریع‌تر یاد بگیرید و در مکالمات روزمره با اطمینان از آن‌ها استفاده کنید.

سوالات متداول اعضای خانواده به انگلیسی

پرکاربردترین اعضای خانواده به انگلیسی کدام‌اند؟

واژه‌هایی مثل father, mother, brother, sister, parents, children جزو پرکاربردترین‌ها هستند و در مکالمه‌های روزمره زیاد استفاده می‌شوند.

تفاوت cousin در انگلیسی چیست؟

در انگلیسی cousin برای همه نوع پسرعمو، دخترعمو، پسرخاله و دخترخاله به کار می‌رود و جنسیت مشخص نیست؛ برای مشخص کردن جنسیت باید male cousin یا female cousin به کار برد.

آیا برای «باجناب» و «جاری» کلمه خاصی در انگلیسی وجود دارد؟

خیر. این نسبت‌ها در انگلیسی واژه مستقل ندارند و باید توضیحی گفت؛ مثل my wife's sister's husband یا my husband's brother's wife.

تفاوت step و half در اعضای خانواده چیست؟

step- یعنی ناتنی از طریق ازدواج والدین؛
half- یعنی هم‌خون نیمه (پدر مشترک یا مادر مشترک).

منظور از nuclear family چیست؟

nuclear family یعنی خانواده هسته‌ای؛ شامل زن و مرد که ازدواج کرده‌اند (مادر و پدر) و فرزندان که هسته اصلی یک خانواده را تشکیل می‌دهند.

